



مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری

# نگارخانه لغو و گام‌های برد

نشست بیست و دوم

## بررسی تبعات سیاسی-اجتماعی طرح‌های کلان انتقال بین‌حوضه‌ای آب

حجت میان‌آبادی

پژوهشگر هیدروپلیتیک و دیپلماسی آب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری

# گفت‌وگوهای راهبردی

## نشست بیست و دوم بررسی تبعات سیاسی-اجتماعی طرح‌های کلان انتقال بین حوضه‌ای آب

حجت میان‌آبادی  
عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد

\* گفتگوهای راهبردی، مجموعه سخنرانی‌های موضوعی در حوزه «سیاست اقتصادی»، «سیاست خارجی»، «سیاست داخلی»، «سیاست بهداشت و سلامت»، «سیاست علم و فناوری»، «سیاست اجتماعی و فرهنگی» و «سیاست محیط‌زیست» است که با حضور مسئولان، سیاستگذاران، ذینفعان و پژوهشگران مرتبط، از سال ۱۳۹۴ تاکنون در تالار تدبیر واقع در مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری برگزار می‌شود.

نسخه کامل سخنرانی‌ها به صورت الکترونیکی برای استفاده عموم پژوهشگران و صاحبان نظران منتشر می‌شود.

کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری است  
هرگونه بازنشر تنها با اجازه کتبی مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری آزاد است



بیست و دومین جلسه از سلسله نشست‌های «گفتگوهای راهبردی»، در تاریخ بیست تیر ماه ۱۳۹۵، با سخنرانی آقای دکتر حجت میان‌آبادی، عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد و با عنوان «بررسی تبعات سیاسی-اجتماعی طرح‌های انتقال آب بین‌حوضه‌ای» در سالن نشست‌های مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری برگزار شد. در ادامه خلاصه‌ای از اهم مباحث طرح شده ارائه می‌گردد.



من در چند سال اخیر همواره ارائه‌هایم را با این پرسش آغاز می‌کنم: آب چیست؟ این سوالی مغفول‌مانده است و ما عموماً به آب نگاهی جزئی‌نگر داریم و بسیاری از وجوه آن را در نظر نمی‌گیریم. مسائل منابع آبی ترکیبی از مسائل اجتماعی، سیاسی، امنیتی، اقتصادی و زیست‌محیطی است. برای مدیریت پایدار منابع آب باید دست کم سه زیرسیستم را با هم در نظر گرفت: زیرسیستم طبیعی (شامل نکات مهندسی)، زیرسیستم انسانی-اجتماعی-اقتصادی و زیرسیستم اداری-سازمانی-حقوقی. هر طرح مطالعات آبی که همه این زیرسیستم‌ها را در نظر نگیرد محکوم به شکست است. در طرح‌های آبی در کشور ما معمولاً تنها زیرسیستم نخست یعنی نکات مهندسی در نظر گرفته می‌شود و این منشأ بخشی از مشکلات اساسی ما در این حوزه است. سال ۹۳ آقای چیت‌چیان وزیر محترم نیرو شجاعانه اقرار کردند که ما در سدسازی افراط کردیم. اما متأسفانه سیاستگذاران آبی، افراط در طرح‌های انتقال بین‌حوضه‌ای را جایگزین افراط در سدسازی کرده‌اند. نسبت به درپیش گرفتن این راه خطرناک هشدارهای جدی داده شده است اما متأسفانه جدی گرفته نشده است. بخشی از پروژه‌های انتقال آب بین‌حوضه‌ای: خزر به سمنان (بین شش هزار تا نه هزار و چهارصد میلیارد تومان)؛ آب کانی‌سیب به ارومیه؛ خلیج فارس به کرمان، بندرعباس به سیرجان، ارس به ارومیه، خزر به ارومیه و آب دریای عمان به مشهد (چهار و نیم میلیارد دلار!!!) و .... در ادامه پروژه خزر به سمنان و پروژه‌های انتقال به مشهد بررسی خواهد شد. در پروژه خزر به سمنان قرار است با دو خط لوله به طول ۶۰۰ کیلومتر سالی دویست میلیون متر مکعب از آب دریای خزر را شیرین کنیم و به سمنان بیاوریم. در حوضه سمنان سالانه بیش از یک میلیارد و یکصد میلیون متر مکعب آب مصرف می‌شود که نود درصد آن صرف کشاورزی، سه درصد صنعت و هفت درصد هم برای آب شرب استفاده می‌شود. این درحالی است که راندمان کشاورزی سی و پنج درصد است و به گفته استاندار سابق تنها با اصلاح کشاورزی در یک پنجم اراضی استان سالانه صد و ده میلیون متر مکعب صرفه‌جویی آب خواهیم داشت. اما علاوه بر این به گفته مقامات تقریباً بیش از یک چهارم آب شرب استان به خاطر فرسودگی شبکه‌های توزیع آب شهری هدر می‌رود. در حالیکه هزینه اصلاح شبکه‌های توزیع در حدود سی میلیارد تومان و اعدادی در این مقیاس است. پس به نظر می‌رسد اصلاح کشاورزی و شبکه‌های توزیع چه از نظر هزینه چه میزان آب حفظ شده نسبت به انتقال آب کاملاً ارجح است. افزون بر این طرح

انتقال آب از دریای خزر مشکلات حقوقی جدی به همراه خواهد داشت. سال گذشته دولت تفاهم‌نامه زیست‌محیطی دریای خزر را با کشورهای ساحلی امضا کرد و قانونش هم پارسال اعلام شد. ما با انتقال آب دریای خزر این تفاهم‌نامه را نقض کرده‌ایم. تا همین الان آذربایجان به آن اعتراض کرده است و کشورهای دیگر هم قطعاً اعتراض خواهند کرد. گذشته از همه این‌ها این طرح قطعاً مشکلات سیاسی-اجتماعی جدی به همراه خواهد داشت که در طرح نوشته شده اصلاً پیش‌بینی نشده است. برای لمس بهتر این نوع مشکلات به مثالی توجه کنید: به خاطر سوءمدیریت در حوزه آب در استان سیستان در سال‌های گذشته روند مهاجرت از آن‌جا بسیار شدت گرفت. بخشی از آن‌ها به شهر گرگان مهاجرت کردند اما به علت فروپاشی ساختار قبیلگی‌شان آن‌ها منشأ مشکلات اجتماعی بسیاری از جمله ناامنی در گرگان شده‌اند. حال سوال این است: آیا در طرح انتقال آب خزر به سمنان برای مهاجرت احتمالی به این شهر، حاشیه‌نشینی و دیگر مشکلات اجتماعی-سیاسی ناشی از آن تدبیری اندیشیده شده است؟ به نظر پاسخ منفی است. اما پروژه دوم یعنی طرح انتقال آب به مشهد: دست کم چهار طرح انتقال آب به مشهد در دست بررسی یا اجراست. اما در طرف دیگر مدیریت منابع آبی در مشهد چگونه است؟ گلکاری‌های شهرداری مشهد را در نظر بگیرید؛ حجم آن از گلکاری در هلند هم بیشتر است! ما می‌خواهیم با هزینه چهار و نیم میلیارد دلاری آب به مشهد بیاوریم که کارناوال گل به راه بیاوریم؟! شاید میزان آب مصرفی برای گلکاری در مقیاس کل زیاد نباشد اما این بهترین گواه بر سوءمدیریت آبی است. من در سفرم به لس‌آنجلس به عینه مشاهده کردم که به دلیل خشکسالی آب دادن به چمن‌ها را ممنوع کرده‌اند اما ما در مشهد چه کرده‌ایم؟! ریشه این مشکل در حکمرانی آب است. شهرداری تراکمش را می‌فروشد و گل‌کاری‌اش را می‌کند و به وزارت نیرو فشار می‌آورد که باید آبش را تأمین کند درحالی‌که مثلاً در هلند مسئول تأمین آب خود شهرداری‌ها هستند. توجه داشته باشید مشهد در حال حاضر بیشترین مشکلات ناشی از حاشیه‌نشینی را داراست به گونه‌ای که برای حل آن‌ها به ویژه مشکل امنیت از سپاه هم کمک خواسته‌اند. طرح‌های پرهزینه و پرسروصدای انتقال آب به مشهد قطعاً مهاجرت بیشتر به این شهر و افزایش حاشیه‌نشینی در آن را به همراه خواهد داشت. بحران‌های سیاسی-اجتماعی ناشی از آب بسیار جدی است. بحران بین‌المللی دارفور سال ۲۰۰۳ بحرانی که دویست تا چهارصد هزار کشته و دو نیم میلیون آواره به جا گذاشت به گفته بان‌کی مون ریشه در مسائل مربوط به آب داشته است. مشکلات مربوط به آب در منطقه ما یعنی خاورمیانه حادث‌تر هم هست. بسیاری از کارشناسان معتقدند بحران سوریه و ظهور داعش ریشه در خشکسالی و بحران‌های اقلیمی در این منطقه داشته است. به طور کلی از سی و هفت جنگ اخیر که بر سر مسئله آب در جهان اتفاق افتاده است سی‌تای آن در خاورمیانه بوده است. اما بزرگان شاخه دیپلماسی آب اخیراً به یک اشتباه تاریخی‌شان اذعان کرده‌اند که به موجب آن ایشان خطر جنگ‌های داخلی بر سر آب را چندان جدی نگرفته‌اند. به عنوان یک مثال دم‌دستی جنبش روشنائی در افغانستان را در نظر بگیرید. قرار بوده است در پروژه بین‌المللی توتاپ برق ترکمنستان را از طریق خاک



ازبکستان به افغانستان منتقل کنند. شرکت مشاور آلمانی پیشنهاد کرده بود خط انتقال از مسیر بامیان منتقل شود. اما دولت تصمیم گرفت خط انتقال از مسیر سالنگ بگذرد. همین مسئله اسباب بحران امنیتی بسیار جدی در افغانستان شد. البته این نزاع داخلی بر سر مسئله برق بوده است ولی کاملاً محتمل است که چنین نزاع‌های درونی بر سر مسئله آب نیز روی دهد. خود ما در کشورمان تبعات امنیتی سوءمدیریت آب را همگی به وضوح دیده‌ایم. در این میان پروژه‌های انتقال آب هم همواره محل تنش‌های سیاسی بسیاری در کشور بوده‌اند. نمونه‌های آن عبارتند از: اعتراض مردم آبدان به انتقال آب کارون به فلات مرکزی در سال ۱۳۷۹؛ اعتراض کشاورزان اصفهان به انتقال آب زاینده‌رود به یزد در سال ۹۱ که به شکسته شدن خط لوله و بنا به برخی نقل‌ها کشته شدن چند نفر هم انجامید (گویا این کشاورزان در یازده اردیبهشت همین امسال باز هم تجمعی را ترتیب داده‌اند)؛ نمونه دیگر اعتراض مردم خوزستان به انتقال آب زاینده رود به اصفهان در سال ۹۲ یا اعتراضات مردم چهارمحال و بختیاری به طرح انتقال آب بهشت‌آباد. افزون بر همه این‌ها همه ما مشکلات امنیتی ناشی از خشک شدن دریاچه ارومیه را مشاهده کردیم و دیدیم که کار به جایی رسید که حل آن جزو وعده‌های انتخاباتی ریاست جمهوری شد. چنین بحران‌های اجتماعی-سیاسی در نتیجه افراط در طرح‌های انتقال پیش روی ماست و متأسفانه در مطالعات انجام گرفته این ابعاد اجتماعی-سیاسی-امنیتی نادیده گرفته شده است. اگر اکنون به فکر اصلاح مدیریت آب نباشیم باید در آینده به فکر حل بحران‌های امنیتی ناشی از آن باشیم. البته برای حل این مشکلات فقط دولت نیست که باید دست به کار بشود بلکه سمن‌های محیط زیستی ما هم باید بسیار بیش از این‌ها در زمینه آب فعال شوند. برای درک اهمیت جایگاه سمن‌ها در این زمینه مثالی می‌زنم: یکی از عوامل اصلی مشکل گرد و غبار در غرب کشور ما ترکیه است. در پروژه GAP یا آناتولی ترکیه بیست و دو سد بر روی دجله و فرات در دست احداث است. فقط سد‌هایی که تا کنون بر روی فرات زده است یک و نیم برابر آورد سالانه فرات است. توجیهی که ترکیه برای کارش می‌آورد در دکنترین‌های هیدروپولتیکی دکنترین هارمون نام دارد. یعنی می‌گوید همان‌طور که من حق ندارم در مورد منابع نفتی عراق حرف بزنم عراق هم حق ندارد در مورد منابع آبی من حرف بزند. که این توجیهی از اساس غلط و منسوخ است و ما نیازمند یک دیپلماسی جدی با ترکیه بر سر حل بحران گرد و غبار در کشورمان هستیم. یکی از سد‌هایی که ترکیه می‌زد سه سرمایه‌گذار اروپایی داشت: آلمان، سوئیس و اتریش. اما فعالان محیط زیست آلمانی تظاهراتی گسترده علیه شرکت آلمانی سهیم در پروژه برگزار کردند به گونه‌ای که این شرکت تحت فشار دولت مجبور شد وسط کار کنار بکشد. اقداماتی که سمن‌های محیط زیستی ما در حفاظت از حیوانات انجام می‌دهند ارزشمند است اما آب و خاک و جنگل این حیوانات مقدم است. پس سمن‌ها هم باید با تقویت خود و بالا بردن سهم خود نقشی اساسی‌تر در جلوگیری از بحران‌های آبی ایفا کنند.

## پرسش و پاسخ:

در بخش پرسش و پاسخ معاون استاندار سمنان با انتقاد از صحبت‌های دکتر میان‌آبادی خطاب به ایشان این سوال را مطرح کردند که آیا عدم وجود حداقل آب شرب در روستاها و شهرها، عدم تأمین شغل و بیکاری و خشک شدن باغات بالای صد سال و دویست سال در اثر کم‌آبی در استان سمنان نمی‌تواند تبعات امنیتی اجتماعی داشته باشد؟ دکتر میان‌آبادی در پاسخ اظهار داشتند که می‌دانند وضع آب استان سمنان خوب نیست اما مسئله این است که این پروژه به صرفه نیست و می‌توان راهکار بهتری را پیش گرفت. ایشان سنگاپور را مثال زدند که میزان پرت آبش را به هشت درصد رسانده است. در ادامه یکی از حضار این استدلال را مطرح کردند که ما در اطرافمان دشمنان زیادی داریم و مجبوریم صنایع و مراکز مهممان را برای حفاظت از دشمن به مناطق مرکزی منتقل کنیم و این مناطق هم با مشکل آب مواجه هستند و چاره‌ای نداریم جز اینکه از طرح‌هایی مثل انتقال آب استفاده کنیم. اما خدایی دکترای جامعه‌شناسی محیط زیست از دانشگاه کیوتو این‌گونه به این استدلال پاسخ دادند که امروزه دیگر جنگ‌ها به شکل سابق نیست و به همان شکلی که دشمن می‌تواند بندرعباس را هدف قرار دهد اصفهان و تهران را هم می‌تواند. آقای رحمانیان هم این سوال را مطرح کردند که چرا با وجود اینکه یک استان ما خشک است باید بگذاریم آب به شط‌العرب بریزد و به اصفهان و زاینده‌رود نیاید؟! دکتر خدایی در پاسخ ایشان نیز گفتند: «آن آب اگر به آنجا نرود آبادانی‌ها و خرمشهری‌ها به جهت غذایی لطمه می‌خورند. چون آنها از ماهی آب شیرین تغذیه می‌کنند و این ماهی‌ها در ورودی شط‌العرب به خلیج فارس زندگی می‌کنند.» دکتر خدایی همچنین خطاب به افرادی که مدعی بودند در پروژه‌های آبی کشور مطالعات اجتماعی هم انجام می‌شود اظهار داشتند: «بروید یکی از این طرح‌های اجتماعی را بخوانید اصلاً طرح اجتماعی نیست طرح جمعیت است مثلاً نوشته است در این روستا ده خانوار زندگی می‌کند آن روستا پنجاه خانوار و بعد نتیجه‌گیری می‌کند.» آقای علیمحمدی از چهارمحال و بختیاری اعتراضات شدیدی را نسبت به سیاست‌های آبی کشور به ویژه در استان اصفهان مطرح کردند. ایشان با اشاره به احداث سه تونل انتقال آب کوه‌رنگ همه آن‌ها را زیر سوال بردند. به گفته ایشان همه این تونل‌ها به بهانه بر طرف کردن مشکل کمبود آب زده شد اما هر بار که چنین تونلی زده شد میزان زیادی بارگذاری‌های جدید همچون کارخانه ذوب‌آهن و فولاد مبارکه و پلی‌اکلیل و هزاران هکتار زمین کشاورزی افزوده شد و هنوز که هنوز است بر تشنگی اصفهان افزوده می‌شود. این درحالی است که روستائیان چهارمحالی که استانشان ده درصد آب کشور را داراست به اصفهان مهاجرت کردند و خیلی از آن‌ها گرفتار عواقب حاشیه‌نشینی همچون دست‌فروشی و موادفروشی هستند. در نظر داشته باشید که مصرف سرانه استان اصفهان ۳۰۰ لیتر به ازای هر نفر است و اگر این مصرف کنترل می‌شد نیازی به زدن هیچ کدام از این تونل‌ها نبود. اما آقای صدرالدین با انتقاد از اعتراضات مطرح‌شده نسبت به طرح خزر-سمنان اظهار داشتند که دوستان قبل از تبیین مناسب طرح رویکردی تهاجمی نسبت به آن اتخاذ می‌کنند. به گفته ایشان از هفتاد





و هشت هزار میلیارد متر مکعب آب خزر فقط قرار است سالانه دویست میلیون متر آن برداشته شود که اصلاً رقمی نیست. در ضمن به جز سه هکتار باقی مسیر تماماً از مسیر خط لوله نفت نکا-ری می‌گذارد و قرار نیست در این مسیر درختی قطع شود. همچنین ایشان اذعان داشتند که سیستم آب‌شیرین‌کنی که استفاده می‌شود به گونه‌ای است که نمک گرفته شده را به هیچ وجه به دریا برنخواهد گرداند و از این جهت هم جای نگرانی نیست. آقای صدرالدین همچنین به کنترگذاری زمین‌های کشاورزی در استان سمنان و بستن چاه‌های غیرقانونی اشاره کردند و گفتند سمنان در زمینه اصلاح کشاورزی در کشور پیشرو است. آقای زندوکیلی معاون استاندار استان سمنان هم افزودند که هزینه طرح هم برعهده بخش خصوصی است. یکی دیگر از حاضرین این نکته را بیان کردند که از سی و سه میلیارد متر مکعب آب روان یازده میلیاردش در خوزستان است و لذا مجبور به زدن سد بوده‌ایم. کما اینکه باید به بهبود راندمان کشاورزی مان هم بپردازیم و از کشاورزی غرق‌آبی خصوصاً در خوزستان فاصله بگیریم که خوشبختانه این امر دارد صورت می‌گیرد. ایشان همچنین تأکید داشتند که حتماً باید طرح‌های مختلف انتقال آبی را هم تعریف کنیم و پیش ببریم. اما دکتر فاضلی خطاب به ایشان با اشاره به کتابی نوشته فریدون قاسمی بزرگترین محقق این حوزه در جهان اظهار داشتند که با استناد به این کتاب همه پروژه‌های انتقال آب با استانداردهای امروزی زیر سوال است. دکتر فاضلی همچنین بر این نکته تأکید داشتند که اعدادی که مبنای توجیه این پروژه‌ها قرار گرفته است شفاف و دقیق نیستند. مثلاً در همین طرح خزر-سمنان کدام مشاوره برآورد کرده است که استان سمنان در ۱۴۲۵ باید چهار و نیم برابر صنایع استان تهران در حال حاضر آب صنعتی مصرف کند؟! وقتی هنوز سند آمایش استان حاضر نیست این اعداد از کجا آمده است؟! اما در پایان دکتر فهمی بندهای مربوط به انتقال آب بینحوضه در سیاست‌های ملی آب کشور را که در دست تهیه است خواند که به گفته ایشان چنین است: انتقال آب بین حوضه‌ای با رعایت اثرات زیست‌محیطی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی و به طور کلی رعایت حقوق ذی‌نفعان: ۱- از نظر ما در وزارت نیرو انتقال بین حوضه‌ای صرفاً برای شرب است. ۲- حوضه آبریز مقصد انتقال آب باید کلیه روش‌ها و راهکارهای مدیریت تقاضای مصرف و مدیریت منابع آب و اعمال الگوی بهینه مصرف آب را انجام داده باشد. ۳- ارزیابی اثرات زیست‌محیطی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، امنیتی در هر دو حوضه مبدأ و مقصد مورد توجه جدی قرار گیرد به ویژه حوضه مبدأ. ۴- حوضه آبریز مبدأ باید بتواند به صورت مستقیم یا غیرمستقیم از منافع حاصل از انتقال آب به مقصد بهره‌مند شود. دکتر فاضلی با بیان اینکه جمع‌بندی آقای فهمی (که همان معیارهای یونسکو است) فوق‌العاده بود از ایشان پرسیدند که آیا این معیارها در حال حاضر در نظر گرفته می‌شود که پاسخ دکتر فهمی منفی بود.